

شاخص‌های مؤثر ایجاد حس خلوت و رازگونی در مساجد (نمونه موردی مسجد جامع اصفهان)*

زهرا صیرفیان پور^۱، مهکامه لوافی^۲

۱- کارشناس ارشد رشته مهندسی معماری و عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان) (نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه معماری، دانشکده هنر معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، اصفهان

چکیده

حس خلوت در فضاهای عبادی جمعی؛ هم‌چون پرستشگاه‌ها، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روحانی یک عابد برای تمرکز روحی و نهایتاً ارتباط مؤثر با پروردگار مطرح است. مساجد دوران اسلامی منطبق بر نگرش اسلامی هم‌زمان به‌عنوان پایگاهی اجتماعی برای تعاملات افراد با یکدیگر و بستری مطلوب برای تأمل و تفکر و خلوت فردی افراد به‌منظور ارتباط با پروردگار مطرح بوده‌اند؛ ولی امروزه شاهد از دست‌رفتن زمینه‌های تمرکز حواس و نهایتاً خلوت افراد در مساجد معاصر هستیم که این خود می‌تواند زمینه‌ساز تقلیل جایگاه مسجد به عبادتگاهی صرف برای معدودی از سالخوردگان باشد؛ عبادتگاه‌هایی که به‌شدت روح فردی و جمعی خود را از دست داده‌اند. در همین راستا هدف این پژوهش بیان اهمیت حس خلوت در مساجد و بررسی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های محیطی تأثیرگذار در ایجاد این حس مبتنی بر نگرش اسلامی می‌باشد. اصلی‌ترین سؤالات این پژوهش را می‌شود به این صورت تبیین نمود: شاخصه‌های مؤثر در ایجاد حس خلوت و رازگونی مساجد کدام‌اند؟ این شاخص‌ها چه تأثیری بر نظام فضایی، نور و رنگ، تزیینات و فرم‌ها و کیفیات فضایی داشته‌اند؟

در این مقاله با بررسی مفهوم و اهمیت خلوت در بینش اجتماع‌گرای اسلامی و هم‌چنین مراتب ادراک از منظر مکاتب فلسفه اسلامی، کیفیات سلبی، ایجابی و تلفیقی (سلبی و ایجابی) مؤثر بر این مفهوم معرفی شده است که در ادامه با روش توصیفی-تحلیلی و مصداق‌پژوهی به بررسی موضوع و کشف شاخصه‌ها در مسجد جامع اصفهان پرداخته شد.

نتایج نشان می‌دهد شاخص‌هایی چون آشکارگی و پنهانی، خلأ (فضای تهی)، اصل تکرار و زوجیت پویایی و سکون، همه و همه می‌توانند با حضور در تزیینات، نظام فضایی، نور، رنگ و مصالح و کیفیات فضایی در جهت ایجاد و تقویت حس خلوت و رازگونی مؤثر واقع گردند و به‌عنوان معیاری برای طراحی مساجد معاصر به‌منظور القای چنین مهمی در آن‌ها به‌کار گرفته شوند.

واژه‌های کلیدی: حس خلوت، رازگونی، خلوتگاه اجتماعی، مسجد جامع اصفهان.

1- Email: zahra.seyrafianpour@gmail.com

2- Email: MahkamehLavafi@gmail.com

* (تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱)

مقدمه

نیایش، خلوت و ارتباط روحانی با معبود، آدمی را از قیدوبند اسارت دنیای فانی و منیت‌های وجودی می‌رهاند و او را وارد عرصه‌ای روحانی می‌کند که رهای از هرگونه مادیتی، مملو از آرامش و بصیرت است، ملجأی که اثری از منیت‌ها در آن نیست و همه هرچه هست اوست.

مسجد به‌عنوان کالبدی مادی مطرح است که در جهت تسهیل چنین اتفاق روحانی‌ای برای آدمی برآمده‌است. بی‌شک ماهیت چنین مادیتی بایستی متفاوت با سایر مادیت‌های زمینی، حال و هوای روحانی به خود بگیرد و به‌واسطه کیفیاتی، عالمی به‌جز عالم حس را تصویر سازد. چنین مادیتی بی‌شک می‌بایست مملو از نمادپردازی‌ها و نشانه‌های رمزی باشد که آدمی به ناگاه دنیایی به‌جز دنیای فعلی‌اش را یادآور شود. اگر ظاهر مادیات‌های این دنیایی جامد، خشن و سخت‌اند باطن که حقیقت شیء است لطیف، نورانی و شفاف است و به دنیای ورای ماده تعلق دارد و طراح مساجد دوران اسلامی با پرده برداشتن از ظاهر این مادیات‌ها سعی در نمایش حقیقت باطن آن‌ها داشته است.

چنان‌چه کالبد مسجدی نتواند زمینه‌ساز چنین خلوت و ارتباط روحانی‌ای گردد آن کالبد، خاصیت واسطه بودن بین زمین و آسمان، ماده و روحانیت را از دست می‌دهد و بشر امروز در هیاهوی عصر صنعتی هیچ ملجأ آرامش‌بخشی برای تزکیه نفس و تفکر نمی‌یابد و این‌چنین می‌شود که با مرگ روح نیایش و تفکر، مرگ بعد روحانی انسان نیز فرامی‌رسد و اشرف مخلوقات و خلیفه‌الله به ربان آدم‌نمایی تبدیل می‌گردد برای گذراندن روزمرگی‌های زندگی و این خود لزوم بررسی موضوع را در این مقاله آشکار می‌کند.

این نوشتار به‌صورت ویژه بر روی مفهوم خلوت و مفاهیم وابسته به آن هم‌چون ابهام، تمرکز، تأمل و رازگونی تمرکز کرده است و این مفهوم را در ابتدا در بینش اسلامی بررسی و بیان می‌کند. حس خلوت در اسلام نسبت به سایر ادیان گاه جهت‌گیری و تعبیر خاص خود و گاه مشترک دارد. خلوت ظاهری و باطنی که به دوری گزیدن از خلق و خلوت در انجمن اشاره دارند به تعبیری نیاز هم‌زمان به خلوت و در اجتماع بودن را بیان می‌کند. در نتیجه مسجد آن‌چنان عمل

می‌کند که باوجود ازدحام و اجتماع نمازگزاران، خدشه‌ای به خلوت باطنی او وارد نیاید.

درنهایت با انتخاب مسجد جامع اصفهان به‌عنوان نمونه موردی و با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار مطالعات کتابخانه‌ای شاخصه‌های فضایی، نشانه‌ها و نمادهای رمزگونه‌ای که زمینه‌ساز بروز حس خلوت و تأمل آدمی‌اند، شناسایی و مورد مذاقه قرار گرفتند.

پیشینه پژوهش

حس خلوت ازجمله مباحثی است که پژوهشگران حوزه معماری به‌صورت ویژه آن را بررسی نکرده‌اند و به‌صورت ضمنی و در بطن مباحث مرتبط با خلوت به آن پرداخته‌اند. این پژوهش به‌منظور بررسی پیشینه حس خلوت، مجموعه آرا و پژوهش‌های محققانی که این مقوله را به‌صورت ضمنی از جنبه‌های متعددی مورد بازبینی قرار داده‌اند، دسته‌بندی کرده است. گروه اول پژوهش‌ها در حیطه خلوت فیزیولوژیکی، یعنی مسائل آسایش حسی و حرکتی نمازگزاران در مسجد است که در این باب زرگر (۱۳۸۶) به بیان سرانه‌های کمی و برنامه فیزیکی استاندارد برای سهولت حضور و انجام فعالیت و حرکات نمازگزاران در عرصه‌های مختلف مسجد در کتاب *راهنمای طراحی معماری مساجد* پرداخته‌است.

گروه دوم پژوهش‌ها در حوزه خلوت روانی و حسی در فضاهای روحانی است که رازجویان (۱۳۸۰) در مقاله «به‌سوی محراب و تقرب به لحظات ملکوتی» به بیان چگونگی همسویی محور حرکت و محور توجه از ورودی تا گنبدخانه و محراب و تمهیداتی برای پرهیز از شلوغی ذهن در راستای این محور توجه پرداخته است. در حوزه کلی رفتارشناسی خلوت و ازدحام در فضاهای مختلف نیز آلتمن (۱۳۸۲) از صاحب‌نظران اصلی این حوزه به شمار می‌رود.

گروه سوم مربوط به خلوت سلبی روحانی است که منظور کیفیاتی در ماده و فرم است که مانع از جلب‌توجه می‌شود و جنبه سلبی و نفی امور مزاحم را از محضر نمازگزار دارد و پژوهشگرانی چون همایونی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «سکوت، محلی برای بازشناسی طبیعت» ماهیت‌های کالبدی و کیفی مؤثر در جهت القای حس سکوت در یک کالبد خلوتگاهی را مواردی چون امساک در نور، وحدت

پر کرده و آن ذات پروردگار است (نصیری، ۱۳۸۸: ۳۸). لغت لاتین معادل خلوتگاه^۱ این گونه تعریف شده است: خصوصی‌ترین یا رازبرانگیزترین قسمت، تورفتگی خصوصی (Heritage dictionary, 2003:953).

این تعریف از خلوتگاه دو مفهوم خلوت و رازگونی را در خود دارد و این خود یکی از دلایلی است که در این پژوهش نیز این دو مفهوم هم‌راستا و مکمل یکدیگر انگاشته شده‌اند. دو نوع خلوت در اندیشه اسلامی مطرح است ۱- خلوت ظاهری (جسمانی) ۲- خلوت باطنی (روحانی).

خلوت ظاهری همان است که فرد برای رسیدن به آرامش و دور شدن از قیدوبندهای دنیوی به گوشه‌ای رود و خود را در خلوتی فیزیکی قرار دهد، چراکه آن‌چه انسان‌های عادی می‌بینند و با آن در تعامل‌اند بر روح و جان آنان اثر گذاشته و باعث برهم خوردن تفکر و خیال آنان می‌شود و به همین سبب برای خالی کردن حواس خود از غیر و قطع ارتباط با جهان بیرون، نیاز به خلوتی فیزیکی دارند. در این حال حواس ظاهره از کار بازداشته می‌شود و حواس باطنه به مطالعه آیات ملکوت می‌پردازد تا اطلاع بر عالم ملکوت بر او حاصل گردد (نصیری، ۱۳۸۸: ۳۹).

نوع دوم خلوت باطنی که همان خلوت دل از اغیار است یعنی آن که باطن سالک در مشاهده اسرار حق باشد و در این نوع خلوت سالک باید خاطر خویش جمع کند و کمتر تحت تأثیر محیط قرار گیرد تا به درونش معنی الهام گردد (ظفرنویسی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). انسان در عالم ماده ناگزیر از تعامل است پس انسان می‌بایست در بعد این جهانی‌اش در جلوت باشد و در بعد الهی‌اش در خلوت فرو رود، که در این نوع خلوت در انجمن یا خلوت در جلوت، انسان قادر است در عین این که با جمعی در تعامل است با حق درون خود در خلوت بوده و نیازی به خلوت فیزیکی نداشته باشد و در واقع در خیال و خلوت ملکوتی خود به آرامش و تعادل جسمی و روحی می‌رسد (نصیری، ۱۳۸۸: ۳۹). آیاتی از قرآن کریم و همچنین روایات بسیاری از معصومین در بیان اهمیت و ارزش خلوت گزیدن و نیز احکام فقهی برای ایجاد شرایط مطلوب خلوت ظاهری در مساجد بیان شده است که در نهایت می‌توانند زمینه‌ساز خلوت باطنی و یا ذهنی باشند (جدول ۱).

فرمی، سازمان‌دهی مرکزی، تعلیق و بی‌زمانی و فضای تهی بیان کرده‌است. سایر پژوهشگران چون شعاع‌احمدی (۱۳۸۴) و تقوایی (۱۳۸۶) نیز در پژوهش‌های خویش به بیان چنین کیفیاتی در ماده و فرم پرداخته‌اند.

گروه چهارم؛ یعنی خلوت ایجابی روحانی، بیان‌کننده کیفیاتی است که توجه افراد را جلب و متمرکز بر خود می‌کند؛ منتها توجه به این‌ها مقدمه توجه به امور الهی و روحانی است و لذا مغایر «خلوت روحانی» نیست و در پیوند با ماوراء است، سنت‌گرایانی چون اردلان و بختیار (۱۳۹۲) در کتاب حس وحدت و نصر (۱۳۸۷) در کتاب هنر و معنویت اسلامی به چنین نوع کیفیاتی اشاره نموده‌اند.

عدم در مسجد در مرتبه اول یک هدف سلبی دارد و آن از میان برداشتن هرگونه حضوری است که ممکن است در مقابل «حضور نامرئی» خداوند جلوه کند و به علت نقصی که در هر تمثیل و رمز وجود دارد باعث اشتباه و خطا شود. در مرتبه ثانی عدم، یک هدف و غایت ایجابی دارد که آن تأکید بر جنبه تنزیهی باری‌تعالی است، بدین معنا که ذات او را نمی‌توان با هیچ چیز مقایسه کرد (burckhardt, 1954:59). با این تفسیر تلفیقی از انواع کیفیات گروه سوم و چهارم یعنی مجموع کیفیات سلبی و ایجابی می‌توانند به‌عنوان دسته‌ای از انواع خلوت در این پژوهش مطرح باشند.

واژه‌شناسی خلوت

خلوت کلمه‌ای عربی است که معانی لغوی آن عبارت‌اند از: ۱- تنهایی و گرد آمدن در پنهان با کسی (م.ع.ت، ۱۳۵۹: ۱۷۶) ۲- تنهانشینی همراه آداب خاص (ظفرنویسی، ۱۳۸۹: ۱۰۸) ۳- انزوا ۴- جای خالی (گوهرین، ۱۳۷۶: ۱۵۲) ۵- عزلت گزیدن و اغیار بیرون کردن و به خیال خود مشغول شدن ۶- خالی کردن (دهخدا، ۱۳۷۷: ج هفتم).

فعل آن تخی و به معنای منزوی شدن، خالی کردن خود از غیر و آزاد شدن از محیط پیرامون می‌باشد (م.ع.ت، ۱۳۵۹: ۱۷۶). خالی کردن خود از غیر، به معنای خالی شدن از غیر خدا و رها شدن از اندیشه‌ای مادی است که با خلوت موردنظر متفکران غربی متفاوت است. با آزادی از ماده و خالی شدن از غیر خدا چیزی در عالم دریافت می‌شود که همه هستی را

جدول ۱: آیات قرآن و روایات معصومین پیرامون اهمیت خلوت ظاهری و باطنی و عوامل مؤثر بر آن (مأخذ: نگارندگان).

متن آیه یا روایت / منبع اصلی	ترجمه / مضامین تفسیری	مضامین فراگیر
آیه ۱۲۵ سوره بقره: از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان، پاکیزه کنید.	<p>- اعتکاف بهترین مصداق خلوت گزیدن در شرع اسلام.</p> <p>- عبادت با طهارت و شرایط پیرامونی، پیوند دارد. مسجد مسلمانان باید پاکیزه و رغبت‌انگیز باشد و این امر آن قدر ضروری است که حتی ابراهیم و اسماعیل بهترین خلق خدا برای انجام عبادت مأمور پاک‌سازی می‌شوند (قرآنی، ۱۳۸۵: ۲۰۰).</p> <p>- کلمه تطهیر به این معنا که خانه خدا را برای عبادت معتکفین، خالص و بلا مانع سازند، و بنابراین می‌شود: ما به ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که خانه مرا خالص برای عبادت بندگانم کنید و این خود نوعی تطهیر است یا به معنای تنظیف از کثافات است (طباطبائی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۲۴).</p> <p>- در معنای کلمه "خالص ساختن"، زدودن و کیفیاتی سلبی که مانع از توجه شود وجود دارد و در معنای دوم آن نیز که به معنای دوری جستن از کثیفی‌هاست خود به دلیل ممانعت از مشغول شدن حواس بویایی و بینایی و در کل توجه نامطلوب به پیرامون است.</p>	<p>- اهمیت و توجه به خلوت فردی در کنار اجتماع</p> <p>- کیفیات سلبی</p> <p>- خلوص، سادگی و تهی بودن</p>
آیه ۳ سوره مریم: باد رحمت پروردگارت بر بنده‌اش ذکریا هنگامی که پروردگار را در خلوتگاه پنهان خواند.	<p>- کلمه (نداء) به معنای صدازدن به آواز بلند است، در مقابل (مناجات) به معنای آهسته صدازدن است و خدای تعالی آن را با صفت متضاد (خفی) توصیف می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴، ۶).</p>	<p>تضاد آشکارگی ندا و وصف پنهانی بودن آن</p>
آیات ۸-۶ سوره مزمل: عبادتی که در شب انجام گیرد، پایدارتر و گفتار در آن استوارتر است. پس ساعت‌های شب برای عبادت فرصتی بهتر است.	<p>- نماز در دل شب ثابت‌قدم‌تر است و در مطابقت قلب و زبان شدیدتر است، چون خدای تعالی شب را مایه آرامش قرار داده است (طباطبائی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۰، ۱۰۰).</p> <p>- آرامش بدان معناست که خاطر انسان از شواغل معیشت فارغ، و دست انسان از اسباب ظاهری بریده است (همان، ۱۰۰).</p>	<p>- تمرکز و یا کاهش عملکرد حواس ظاهری پنجگانه</p> <p>- کیفیات سلبی</p>
آیه ۱۰۳ سوره نساء: چون نماز را به پایان بردید، خداوند را در حال ایستاده و نشسته و به پهلو و خوابیده یاد کنید، پس هرگاه آرامش یافتید نماز را به صورت کامل برپا دارید.	<p>- آرامش ذهنی و جسمی لازمه برپایی عباداتی چون نماز</p> <p>- نماز متعالی‌ترین حالت ارتباط و خلوت با خداست. که آداب انجامش زمینه‌ساز خلوت، تمرکز و آرامش است.</p> <p>- صورت ظاهری نماز حرکات به هم پیوسته‌ای در حالات مختلف است که نمازگزار در یک نقطه ثابت بدون انتقال به نقطه‌ای دیگر به جای می‌آورد.</p>	<p>تلفیق هم‌زمان بویایی و سکون</p>
روایت پیامبر اکرم (ص) در کتاب لا یحضره الفقیه	<p>از ورود اطفال خود به مساجد اجتناب کنید و دیوانگان را مطلقاً به مسجد راه ندهید و نیز پرهیز کنید از این که صدای خود را بلند کنید یا آواز بردارید و در آن جا خرید و فروش نکنید یا محل معاملات قرار ندهید، و گمشده خود یا صاحبش را در مسجد مجویید، و در مساجد اقامه حدود نکنید. و سزاوار است که از سرودن و خواندن شعر، و از نشستن معلم برای تادیب کودکان و نشستن خیاط برای دوزندگی پرهیز شود (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ج ۱، ۷۱۵).</p>	<p>- تمرکز و یا کاهش عملکرد حواس ظاهری پنجگانه</p> <p>- احکام ظاهری</p> <p>- کیفیات سلبی</p>
آیه ۴۱ سوره احزاب: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خداوند را بسیار یاد کنید.	<p>- کلمه (ذکر) در مقابل (نسیان) به معنای به یاد داشتن است، و آن یعنی آدمی نیروی ادراک خود را متوجه یادشده کند، مثلاً صفات او را به زبان جاری کند و مصداق مهم‌تر این که در قلب به یاد او باشد (طباطبائی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۹۲).</p> <p>- ذکر کثیر به معنای واقعی یعنی "توجه با تمام وجود به خداوند" که نتیجه آن آرامش وجودی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۳۷۷).</p> <p>- قرین بودن کلمه ذکر به معنای یادآوری پروردگار با صفت کثرت و مکرر بودن خود دلیلی است بر آن که یادآوری حقیقی تنها با تکرار آن در وجود آدمی نهادینه می‌گردد.</p>	<p>- اهمیت تکرار در تمرکز و یادآوری پروردگار</p> <p>- توجه ظاهری و باطنی</p> <p>- کیفیات ایجابی</p>
آیه ۳۵ احزاب: و کسانی که خداوند را فراوان یاد می‌کنند، برای آن‌ها مغفرتی بزرگ است.		

<p>- محو شدن کثرات در عین حضور - اهمیت تکرار در محو شدن مادیت و رؤیت هماهنگ کل</p>	<p>- حضرت علی(ع) در پاسخ به سؤال کمیل که حقیقت چیست فرمودند: «محو الموهوم مع صحو العموم» حقیقت آن است که کثرات که وجود موهوم دارند در هنگام تجلی حق محو گردند(مددپور، ۱۳۷۱:۲۹۱). - حدیث حقیقت معادل این دستور که چشم باز ولی نگاه افتاده و متوجه به محل سجده به هنگام نماز، مستحب و توسط علمای دین به منظور حضور قلب توصیه می‌گردد برعکس مذاهب هندو و... که عابد بایستی با چشمان بسته و به صورت منفرد در معبد باشد. بدین دلیل که انسان در عین هشیاری(چشمان باز) و مراقبت(نگاه به محل سجده) بهتر می‌تواند ذهن خود را به سوی حضرت حق یکسویه سازد(رازجویان، ۱۳۸۰:۱۲۳)</p>	<p>حدیث حقیقت حضرت علی(ع) در کتاب شرح گلشن راز شیخ لاهیجی</p>	<p>۷</p>
<p>- اهمیت به خلوت فردی در کنار اجتماع - اهمیت خلوت ظاهری و باطنی</p>	<p>خوشا به حال کسی که در ظاهر و باطن از همه کس جدا و بیگانه باشد(حسینی تهرانی، ۱۳۴۵:۳۵).</p>	<p>روایت امام صادق(ع) در کتاب مصباح الشریعه</p>	<p>۸</p>
<p>- ارتباط دوسویه خلوت ظاهری و باطنی</p>	<p>هر کس چهل روز از بهر خدای تعالی از سر اخلاص خلوتی برآورد، چشمه‌های حکمت از دل او به زبان او ظاهر می‌شود(پاینده، ۱۳۷۷:۷۲۸).</p>	<p>روایت پیامبر اکرم(ص) در کتاب نهج الفصاحه</p>	<p>۹</p>

ادراکات از منظر فلسفه اسلامی

و حکمت متعالیه هر یک نظرات گوناگونی پیرامون این بحث بیان نموده اند که در برخی موارد یکسان و در برخی دیگر متفاوت می‌نمایند(جدول ۲).

ادراکات حسی از جمله مباحثی است که فلاسفه مکاتب اسلامی در ماهیت و چیستی آن بسیار تعمق و نظریه‌پردازی کرده‌اند. سه مکتب اصلی فلسفه اسلامی یعنی مشاء، اشراق

جدول ۲: نظریات پیرامون ادراکات حسی از منظر مکاتب فلسفه اسلامی(مأخذ: نگارندگان).

ویژگی‌های کلی	تعاریف و نظریات پیرامون مراحل ادراکات	بنیان‌گذاران	مکتب فلسفی
<p>۱- صورت حسی مجرد از ماده و نه از عوارض و غواشی(سبحانی فخر، ۱۳۹۰:۱۰۳) ۲- انتقال صورت‌های منطبع در ماده با هویات خود از ماده به غیر ماده ممکن است(شیرازی، ۱۳۵۴:۳۱۶)(جنبه ایجابی).</p>	<p>مراحل کلی ادراک: ۱- ادراک حسی ۲- ادراک خیالی ۳- ادراک وهمی ۴- ادراک عقلی مرحله اول(ادراک حسی): دریافت صورت شیء مادی که با تجرید از اصل ماده و بقای جمیع عوارض حاصل می‌شود(نظریه تجرید). مرحله دوم(ادراک خیالی): مشروط به حضور ماده نیست اما هم‌چنان کمیت، کیفیت و وضع دارد پس جزئی است. به‌عنوان مثال اگر چشم را ببندیم هرچند ادراک بینایی از بین می‌رود ولی صورتی که از بیرون ادراک شد در قوه دیگر باقی خواهد ماند. مرحله سوم(ادراک وهمی): عدم مشروطیت به حضور ماده ولی هم‌چنان امکان حضور معنا در امور مادی وجود دارد. مرحله چهارم(ادراک عقلی): تجرد کامل و تام از ماده(فعالی، ۱۳۷۹:۴۰)</p>	<p>ابن‌سینا و ...</p>	<p>مشاء</p>
<p>۱- صورت حسی مجرد از ماده و عوارض و غواشی(تجرد مدرکات حسی)(سبحانی فخر، ۱۳۹۰:۱۰۳). ۲- انتقال صورت‌های منطبع در ماده با هویات خود از ماده به غیر ماده(ادراک امور مادی معادل ذکر الهی) ناممکن است و از غیر ماده به غیر ماده ممکن است(شیرازی، ۱۳۵۴:۳۱۶)(جنبه سلبی). ۳- تطابق سه مرتبه اصلی ادراک، بر مراتب عوالم وجود(حسی با عالم طبیعت، خیالی با عالم مثال، عقلی با عالم عقول)</p>	<p>مراحل کلی ادراک: ۱- ادراک حسی ۲- ادراک خیالی ۳- ادراک عقلی(وهمی) مرحله اول: انعکاس واقعیت‌های خارجی به‌وسیله حواس پنجگانه مرحله دوم: توجه و آگاهی نفس به ادراکات حسی مرحله سوم: خلاقیت و انشاء نفس(نظریه ابداع و خلق صورت‌های ذهنی)(ارشد ریاحی و واسعی، ۱۳۹۰:۱۲)</p>	<p>ملاصدرا و ...</p>	<p>حکمت متعالیه</p>

<p>۱- ادراک: غائب نبودن شیء از ذات مجرد است یعنی شیء برای خود حاضر نیست ولی از خود هم غائب نیست (سبحانی فخر، ۹۴:۱۳۹۰)</p> <p>۲- اجسام به علم اشراقی و حضوری درک می‌گردند (همان، ۹۶)</p> <p>۳- عدم غیبت که جنبه سلبی است به شرطی با حضور که جنبه ایجابی است معادل می‌گردد که هم‌زمان جنبه سلبی و ایجابی در کنار یکدیگر واقع گردند (جنبه سلبی و ایجابی).</p> <p>وگرنه این دو را نمی‌توان معادل هم دانست (سهروردی، ۱۳۹۶:ق: ۱۴۰).</p>	<p>مراحل کلی ادراک: ۱- ادراک حسی ۲- ادراک خیالی ۳- ادراک عقلی ادراک حسی: یعنی مشاهده اشیا جزئی، به اشراق و تابش نفس بر شیء محسوس حاصل می‌شود؛ پس از آن که شیء محسوس در برابر عضو باصره قرار گرفت و موانع مرتفع شد نفس با حضور آن را می‌یابد؛ یعنی شیء خارجی خودش پیش نفس حاضر می‌شود و نفس با علم حضوری آن را درک می‌کند (سهروردی، ۱۳۹۶:ق: ۴۸۵).</p>	<p>سهروردی و...</p>	<p>۳ اشراق</p>
---	--	---------------------	----------------

وقتی حس می‌شود که خلوت به حد مطلوب نمی‌رسد (آلتمن، ۱۳۸۲:۱۸۴). از این دیدگاه، مسجد بالقوه مستعد ازدحام به‌ویژه اجتماعی ناشی از حضور زیاد افراد است. اما دستورهای مؤکد در نهی افعالی چون جارزدن در مسجد و در مقابل، جوازاتی چون خوابیدن در مسجد و عباداتی فردگرایانه چون اعتکاف، می‌رساند که حوزه خلوت فردی در مسجد، موضوعی اساسی است و مسجد جایی است که عمل اجتماعی عبادی آن چنان تنظیم‌شده تا معنوی‌ترین خلوت برای افراد، حاضر آید. به‌جز موضوع ذهنی این خلوت که از توجه معنوی که بخشی از آن به‌واسطه ویژگی‌های کالبدی حاصل می‌شود، تمهیدات رفتاری مترتب بر مسجد نیز این ویژگی را قوت می‌بخشد (ناری قمی، ۱۳۸۹:۷۷).

حس خلوت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شرایط برای ارتباط مؤثر عاطفی با پروردگار است که مساجد اسلامی به دلیل زمینه‌سازی تحقق این مهم در کالبد و معنا، می‌توانند به‌عنوان خلوتگاه فردی و گروهی نمازگزاران مطرح باشند.

چارچوب نظری پژوهش

می‌توان بر اساس ادبیات تحقیق یعنی بررسی لغوی، اسلامی (آیات قرآنی و روایت معصومین) و فلسفی حس خلوت، عوامل مؤثر بر آن را که مجموعه‌ای از فرضیه‌های تحقیق به شمار می‌روند به‌صورت مدل مفهومی زیر بیان نمود (جدول ۳).

بررسی نظرات فلاسفه اسلامی پیرامون بحث ادراکات حسی بیانگر آن است که هر عالم یا مرتبه‌ای از وجود به‌واسطه نوع ادراکی که به آن تعلق دارد، شناخته می‌شود و موضوع مراتب ادراک را نمی‌توان از موضوع مراتب وجود جدا دانست و هم‌چنین در آرای ایشان هاله‌ای از مفاهیم سلبی، ایجابی و تلفیقی از دو جنبه در فرآیند ادراک مشهود می‌باشد.

آن‌چه که مشخص است لزوم اولین مرحله برای شروع فرآیند ادراک است که بیان شد نفس از طریق حواس تحت تأثیر محرک‌های محیطی قرار دارد. طراحی هدفمند این محرک‌ها در ساماندهی فضا و زمان، در سکون حواس ظاهری که مسبب پویایی حواس درونی و درنهایت حس خلوت است، نقش دارند (طاهری، ۱۳۹۲:۱۵).

مسجد خلوتگاه اجتماع مسلمین

اگرچه مسلمانان می‌توانند در هر زمان و مکان چه در خلوت ظاهری و چه باطنی خلوت کنند و با پروردگار ارتباط معنوی برقرار سازند اما مسجد به‌عنوان محل خاص عبادت و خلوت مطرح است زیرا این کالبد از هر نظر می‌تواند شرایط جسمی و روحی موردنیاز برای ارتباط معنوی مؤثر فرد یا جماعت با خالق را در درجه‌ای فراهم سازد.

در مقابل این تلقی اجتماع‌گرای اسلام از شخصی‌ترین حوزه خلوت، مسجد به‌رغم آن‌چه از اتکای آن به نماز جماعت، ممکن است برداشت شود، اساساً مکانی برای خلوت ذهنی مؤمن است؛ به‌طوری‌که می‌توان آن را یک اجتماع خلوت‌گرا دانست. ازدحام در رفتارشناسی، در مقابل خلوت است و

جدول ۳: چهارچوب نظری تحقیق شامل متغیرهای مؤثر بر حس خلوت، (مأخذ: نگارندگان).

متغیر وابسته	کیفیات	متغیرهای مستقل	نوع ادبیات تحقیق مورد استناد
حس خلوت	سلبی	خلأ(فضای تهی)	تعریف لغوی- نگرش اسلامی(مورد ۱ و ۳ و ۵ جدول شماره ۱)
	ایجابی	تکرار	نگرش اسلامی(مورد ۶ و ۷ جدول شماره ۱)
	تلفیقی(سلبی و ایجابی)	آشکارگی و پنهانی	نگرش اسلامی(مورد ۲ جدول شماره ۱)
		سکون و پویایی	نگرش اسلامی(مورد ۴ جدول شماره ۱)

شاخصه‌های مولد حس خلوت و رازگونی

آشکارگی و پنهانی

ذات اقدس پروردگار چنان در ورای درخشش‌اش (مظاهرش) پنهان شده که انسان در جستجوی‌اش به سرگشته‌ای در تاریکی شب می‌ماند(رضوی، ۱۳۸۴:۴۶۵). «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن»(سوره حدید، آیه ۳) الباطن در مقابل الظاهر از نام‌های خداوند در قرآن فقط یک‌بار آمده‌است. درواقع یکی از تفسیرهای رایج و پذیرفته‌شده اسما الهی ظاهر و باطن، همین است که خداوند هم آشکار و هم پنهان است. این تضاد ظاهری را این‌طور می‌توان تبیین کرد که خداوند با آثار و افعال خود آشکار است و از لحاظ حقیقت و ذات پنهان(معرفت، ۱۳۷۵:۲۳۸).

فضاهای مذهبی معماری اسلامی بر مبنای متجلی کردن ذات مجهول پروردگار و هم‌چنین عالم خیال طرح‌ریزی شده است. عالم خیال عالمی واسطه بین عالم حس(کاملاً آشکار) و عالم عقل(کاملاً پنهان و معنوی) است که درنتیجه کیفیت آشکار و پنهانی از ویژگی‌های این عالم نیز هست.

الف: نظام فضایی و آشکارگی و پنهانی

فضاهای داخلی مسجد به گونه شبکه‌ای درهم تافته، متشکل از فضاهای آشکار و پنهان است که با نظامی مشخص درهم نفوذ کرده‌اند. فرد با قرارگیری در هر فضا با دیدن قسمت‌هایی از خردفضای مجاور به‌گونه‌ای ابهام‌برانگیز هم با فضایی که در آن واقع است و هم‌چنین خردفضای مجاور مواجه می‌شود و مخاطب هرلحظه به عرصه‌ای دیگر کشانده می‌شود. این امر باعث می‌شود یک فضا درعین حال که می‌تواند برای مخاطب آشکار باشد و توسط مجموعه فضاهای پنهان احاطه‌شده باشد،

به‌واسطه نفوذ خردفضاهای مجاور آن، در نظر مخاطب و در میان دیگر فضاها پنهان می‌گردد. آشکار از آن حیث که مخاطب در آن دچار سردرگمی و تشویش نمی‌شود و پنهان از آن حیث که مخاطب برای فهم درک نسبی فضایی نیازمند توجه و تأمل است. این مهم در فضای مسجد به‌واسطه ایجاد خرداجزایی که مولد حریم‌های متعددند و هم‌چنین نوع ارتباطات فضایی چه در یک فضا و چه در کلیت مجموعه تحقق می‌یابد.

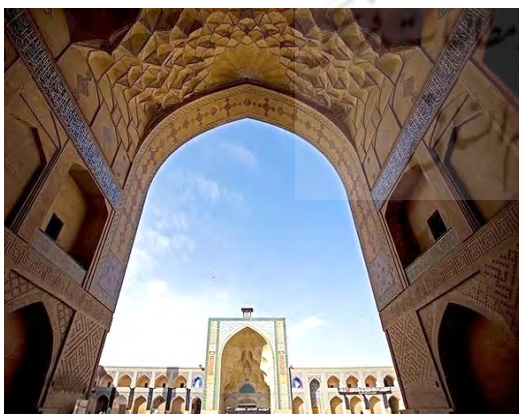
۱- خرد مقیاس‌ها و حریم‌های متعدد نفوذپذیر

به‌طور کل ماهیت معماری اسلامی بر مبنای ترکیب خرداجزاها و خردمقیاس‌هایی است که در کنار یکدیگر کلیتی واحد را تعریف می‌کنند. ماهیت خردبودن خود از لحاظ روان‌شناختی باعث ایجاد تمرکز و خلوت می‌گردد و غور و تأمل مخاطب را طلب می‌نماید. سازمان‌یابی فضایی مسجد به‌گونه‌ای است که فرد نمی‌تواند با ثابت ماندن در یک نقطه، کلیت فضایی آن را درک کند و نیازمند حرکت و سیر در آن است زیرا به‌واسطه مرزبندی‌های نیمه‌شفاف(هم‌چون شبکه ستون‌بندی‌های قطور و فواصل بین آن‌ها و یا دیواره‌های مشبک) کلیت فضاها به خردفضاهایی تقسیم‌شده که در کنار یکدیگر کلیت واحد فضا را تشکیل داده‌اند. خصوصاً نمود این مطلب در سطح یک فضا را می‌توان در شبستان‌های مسجد دید. این امر باعث آن می‌گردد که فضا هم‌زمان طیف متنوعی از افراد(خلوت شخصی، گروه‌های چندنفره، جماعت انبوه) را در خود جای دهد. هم‌چنین وقتی فردی با چنین فضایی مواجه می‌شود به‌یک‌باره با یک کلیت و سطح زیاد روبه‌رو نمی‌شود و با خرد فضاهایی مواجه که درعین حال که کلیت را نابود نکرده‌اند در کنار یکدیگر تشکیل یک کلیت واحد را داده‌اند. پس فرد در

حریم‌ها و مفصل‌های متعدد و هم‌چنین در سطح کلیت مجموعه از اولین لحظه‌ای که مخاطب با بنا روبه‌رو می‌شود تا رسیدن به گنبدخانه و سایر فضاها، هشتی‌ها و راهروهای متعدد تاریک و نیمه‌تاریک و پیچ‌وخم‌های مسیر آن‌ها به‌سوی صحن، جداسازی کامل فضاهای بیرونی را به عهده دارند (زرگر، ۱۳۸۶:۱۱۲).

عاملی دیگر که موجب تحقق نظام حریم‌های متعدد است ماهیت لایه‌ای بودن فضاهای مسجد است که یک جنبه آن لایه‌بندی عمودی فضا است که نظامی از فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته را به وجود آورده که باعث ایجاد تنوع فضایی شده است و تنوع، زمینه‌ساز ساخت ساحت‌ها و قلمروهای متعدد ذهنی است؛ قلمروهای متعدد ذهنی‌ای که فضاهای مطلوبی را برای خلوت پدید می‌آورند.

ایوان‌ها فضاهای نیمه‌بازی هستند که هم‌چون غارها کنج‌ها و زاویه‌های دنجی به‌منظور خلوت و تأمل نمازگزاران فراهم نموده‌اند که به لحاظ دارا بودن حس محصوریت و دربرگیرندگی فرد، القاکننده حس امنیت می‌باشند و این مبنای آرامش و تأمل می‌باشد. هم‌چنین این ایوان‌های غارمانند موضوع خاصی را توسط قاب فضایی محصور می‌نمایند که تأکیدی مرموز بر آن است که مولد لحظه‌های درنگ است (همایونی، ۱۳۸۴:۷۲) (تصاویر ۳ و ۴).



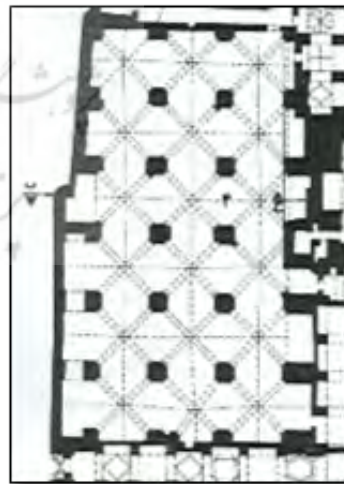
تصویر ۳: قاب فضایی از ایوان غربی (مأخذ: نگارندگان).

اولین مواجهه به‌واسطه تقسیم‌بندی‌های مجزا تمرکز انفرادی و حس خلوت را در درون خود می‌یابد و در مرحله بعد وقتی می‌پندارد که همه این اجزا در یک کلیت می‌گنجد و هر مقیاس به بسیاری مقیاس‌های دیگر پیوند خورده است، حس پیوستگی با فضا و انسجام بصری در او باقی می‌ماند (تصاویر ۱ و ۲).

درواقع انسجام بصری هنگامی رخ می‌دهد که هر مقیاس به بسیاری از مقیاس‌های دیگر پیوند خورده باشد. برای پدید آوردن یک سلسله از مقیاس‌های مرتبط، اغلب لازم است که در مقیاس‌های خرد، ساختارهای جدیدی احداث شوند (سالینگروس، ۱۳۸۷:۱۶۶).



تصویر ۱: شبستان دارالشتای زمستانی: مجموعه‌ای از خردفضاها تشکیل کلیت داده‌اند (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳:۸۰).



تصویر ۲: پلان دارالشتای زمستانی مسجد جامع اصفهان (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳:۵۷).

است (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷). چنین نوع ارتباطات فضایی باعث می‌گردد به تعبیری هر فضایی واسطه‌ی فضای دیگر قرار گیرد. حضور چنین خاصیت واسطگی در اجزای فضایی آمادگی ذهنی فرد را برای ورود به فضا و ساحت دیگر فراهم می‌آورند.

به‌طور کل چنین ابهامی در سایر اجزا نیز دیده می‌شود ابتدا و انتهای مرزها و حریم‌ها دقیقاً مشخص نیست، انتهای ستون‌ها در سقف گم می‌شود و اجزا در یکدیگر نفوذ می‌کنند و تلفیق می‌شوند. ستون‌های استوانه‌ای شکل بسیار قطور، فواصل این ستون‌ها، ارتفاع کلی بنا، حرکت قوس‌ها که در منظرهای زمانی فقط بخشی از آن‌ها قابل رؤیت است، حکایت همان داستان عجیب پرمزوراز ایرانی است که با ساده‌ترین عناصر در زمینی منظم آثاری به وجود می‌آید که راز و ابهام آن در برابر کاربرد دنبال شده و انسان را به تفکری مجدد وامی‌دارد (دیبیا، ۱۳۷۸: ۶).

ب: نور و آشکار و پنهانی

طیفی از سایه‌روشن‌ها که در فضای داخلی شبستان‌ها به وجود می‌آید، قلمروها و حرائم بصری‌ای را پدید می‌آورد که قسمتی از فضا را آشکار و قسمت‌های دیگر را در هاله‌ای از ابهام و تاریکی قرار می‌دهد (تصاویر ۶ و ۷). در چنین فضاهای نیمه‌تاریکی که درک محیط به‌واسطه حواس بصری فیزیکی و مادی میسر نباشد ذهن با شدت و عمق فزاینده‌ای به درک ماهیت معنوی محیط می‌پردازد، زیرا در چنین شرایطی سایر حواس پنجگانه که ماهیت غیرمادی دارند فعال‌ترند.



تصاویر ۶ و ۷: طیف سایه و روشنایی در شبستان‌های مسجد

جامع (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۸۱ و ۵۸).



تصویر ۴: قاب فضایی از ایوان جنوبی (مأخذ: نگارندگان).

۲- ارتباط فضایی

نوع ارتباط فضاهای داخلی مسجد در خلق ماهیت آشکار و پنهان شدن‌ها و در نهایت خلوت بسیار مؤثرند. فضاهایی که از طریق یک فضای مشترک با یکدیگر ارتباط می‌یابند هم‌چون ارتباط شبستان‌های طرفین با گنبدخانه و یا ارتباط ایوان با فضاهای مجاور همه و همه باعث نفوذ فضاها در یکدیگر می‌شوند که در عین آشکارگی در یکدیگر پنهان شده‌اند، آشکار از آن حیث که شخص دچار اختلال ادراک برای شناخت کلی فضا نمی‌شود و پنهان از آن حیث که مرزها دقیقاً مشخص نیست و این چنین ماهیت ابهام‌برانگیزی که زمینه‌ساز تأمل و خلوت است را برای مخاطب پدید می‌آورند. چنین فضایی فضای سیال و پیوسته است که همواره انسان را با خود همراه می‌دارد (تصویر ۵).



تصویر ۵: گنبدخانه نظام‌الملک فضای مشترک مابین شبستان‌ها در جبهه جنوبی موجب خلق سیالیت فضایی و رمزگونی (نقشه خام: حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۵۷).

تحرك و سیالیت فضایی به معنای ابهام و آشکار نبودن مرزهای فضایی است. این ابهام به دلیل غنابخشیدن به منظره‌ای است که نمی‌توان آن را در یک قالب محدود و تمامیت‌یافته تفسیر کرد. این فضا حامل پیام پدیده‌ای است که پدیده دیگری در درون دارد و حرکت به‌سوی آن حرکتی به‌سوی بخش دیگر فضا باکلیت و جامعیتی گسترده

لچکی‌های غرفه‌های بدنه حیاط، آن هم در ترکیب با نقوش هندسی اختصاص داده شده است.

نقوش گیاهی حک شده بر روی محدود قسمت‌هایی از بدنه‌های رو به حیاط اغلب برگرفته از دو یا چند شبکه درهم تافته از اسلیمی‌ها و ختایی‌هاست (همان: ۲۶۴). خطوط ساقه‌های اسلیمی و ختایی در متن زمینه به این سو و آن سو می‌دوند، در دل یکدیگر پیچ‌و‌تاب می‌خورند و در لابه‌لای یکدیگر پنهان و آشکار می‌گردند و زمینه‌ای ابهام‌برانگیز را پدید می‌آورند، زیرا مخاطب به راحتی نمی‌تواند ماهیت ارتباطات آلات مختلف تزئینی و خطوط را درک کند اما چنین نقوش گیاهی علی‌رغم پیچیدگی‌ها و ابهامشان باعث تشویش خاطر نمی‌شوند و از وضوح نسبی برخوردارند.

به دلیل ارتباط صوری و شکلی آن‌ها با اشکال گیاهی موجود در طبیعت، مخاطب به راحتی و بدون فرآیندهای استنباطی پیچیده می‌تواند رمزگان این آرایه‌ها را کدگشایی نماید و آن‌ها را به مرجع اصلی‌شان که اشکال گیاهی موجود در طبیعت می‌باشد بازگرداند (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴).

هم‌چنین استمرار در حرکت منحنی اسلیمی‌ها و تکرار خرداج‌ها در نقوش هندسی بنا، در هر لحظه چشم مخاطب را از یک سو به جهت دیگری سوق می‌دهد و از آن حیث که تشکیل یک کلیت واحد می‌دهند این سمت‌وسوهای مختلف هدف‌دار می‌شوند؛ یعنی آن که چشم و ذهن در هیاهوی این سو و آن سو شدن‌ها متوجه کل می‌شود و باعث می‌شوند چشم در یک سطح و نقطه خاص متمرکز نشود که در صورت عدم تحقق چنین مهمی چنین جذبه بی‌هنگامی موجب تشویش خاطر و درگیری ذهنی با جزییات پراکنده کننده محیطی گردد.



تصویر ۸: تلفیق خطوط اسلیمی و ختایی در لچکی ایوان جنوبی، موجب رمزگونگی (مأخذ: نگارندگان).

برعکس حس بینایی که دلالت بر حالت ظاهری و مادی دارد حس شنوایی صمیمیت بیشتری دارد. صدا همه‌سویی است و تجربه‌ای درونی خلق می‌کند و ما را به چیزی جلب می‌کند که صدای آن ما را به خود فرامی‌خواند (پالاسما، ۱۳۹۳: ۶۱). در تاریکی فضایی که توسط گوش درک می‌شود مستقیماً بدل به تصویر حفره‌ای حجاری شده در ذهن می‌گردد و گوش می‌تواند تأثیرات فرمی یک فضا را با انعکاس‌های خود دریافت کند (همان: ۶۳).

هم‌چنین حس لامسه مولد نزدیکی، صمیمیت و درون‌گرایی است (همان: ۵۹) و از آن‌جا که ارتباطاتی که از طریق حس لامسه دایر می‌شوند تنها در خردترین مقیاس‌ها هستند، در کل طرح مقیاس‌های خرد اهمیت بیشتری می‌یابند (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۱۶۶). انسجام محرک‌های غیربصری و طراحی بر مبنای ادراکات غیربصری به‌خصوص در چنین فضاهایی که مملو از ندیدن مادی است باعث تسخیر همه‌جانبه توسط فضا و زمینه‌ساز خلوت و سکوت می‌گردند زیرا درگیر نبودن بخشی از حواس در فضا می‌تواند ذهن را به سمت‌وسوهای دیگر بکشانند و تمرکز فرد را کاهش دهد.

ج: تزئینات و آشکارگی و پنهانی

نقوش به کار گرفته شده در بدنه‌های فضاهای مختلف مساجد، آثار معماری اسلامی را صورتی خاص بخشیده‌اند و آن‌ها را از آثار معماری‌های دیگر به کلی متمایز می‌کنند. نقوش اسلامی که نوعی هنر تجریدی است، مفهومی را به گونه‌ای انتزاعی به تصویر کشیده و با رنگ ترکیب شده ذوق مخاطب را برمی‌انگیزد تا در هنگام مواجهه با آن تأمل و تفکر کند (نوابی و حاجی‌قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۷۳) و از خود بپرسد این خطوط درهم‌پیچیده هم‌راستای نوای درونی‌ام با من چه می‌گویند؛ در نتیجه او برای یافتن پاسخ سؤالات ذهنی‌اش نیازمند خلوت است.

هر دو دسته نقوش هندسی و گیاهی در مسجد جامع در قسمت‌هایی مشخص به کار گرفته شده‌اند (تصاویر ۸ و ۹). میزان استفاده از نقوش گیاهی و اسلیمی در مسجد جامع اصفهان نسبت به نقوش هندسی بسیار کمتر است و محدوده‌ای اندک به این نقوش در سطوح ایوان جنوبی و



تصویر ۱۰: حس گریز از مرکز (پویایی) و جاذبه مرکزی (سکون) در فضاهای جبهه جنوبی مسجد (نقشه خام: گرابار، ۱۳۸۸: ۱۶۷).



تصویر ۹: نقوش هندسی در ایوان غربی (مأخذ: نگارندگان).

۲- نور و زوجیت پویایی و سکون

توالی نور و تاریکی در فضاهای داخلی مسجد می‌تواند علاوه بر القای نظام آشکاری و پنهانی تجلی‌گر مفهوم زوجیت پویایی و سکون باشد. بخش‌های روشن پرنرژی، جذاب و در حال انبساط به ما نزدیک می‌شوند و برعکس نقاط تیره ساکت و خالی از انرژی در آرامشی خواب‌آلود منقبض می‌شوند اما وجود هر بخش تاریک عطش ما را برای رسیدن به بخش روشن بعدی زیادتر می‌کند (رضوی، ۱۳۸۴: ۴۶۱).

«باطن من فرط ظهور ظاهر من شده الاحاطه»: از فزونی درخشندگی چون خورشید غیر قابل‌رؤیت است، همین درخشندگی که ذات او را از دید ناظران پنهان داشته، ظهور فراگیر او را می‌رساند. آن‌چه که باعث می‌شود روشنایی دیده شود، وجود سایه و تاریکی است که همین حکم درباره نور الهی نیز صادق است (غزالی، ۱۹۷۱: ۱۴۷).

۳- تزیینات و زوجیت پویایی و سکون

در اجزای نقوش اسلیمی گیاهی حرکت و سیلان وجود دارد ولی به‌واسطه نظم، ثبات و سکون بر مجموعه حاکم است و به‌خاطر آن ذهن و دل انسانی توازنی در کشش‌ها و جنب‌وجوش‌ها احساس می‌کند. چنین نظمی که باعث سکون می‌شود را می‌توان به‌وسیله تقارن، انتظام محوری و مرکزی و خلق آلات محقق نمود (جدول ۴). خطوط نقش با پیچ‌وتابشان و بالا پایین رفتنشان شکل‌ها و آلت‌های مختلف به وجود می‌آورند. آلت‌های نقوش گیاهی علی‌رغم آزادی حرکت‌های موج و پرپیچ‌وتاب اسلیمی‌ها و ختایی‌ها یکدیگر را مهار می‌کنند. آلت‌های غیرمتقارن نقش به صورتی متقارن باهم ترکیب می‌شوند و شکل‌های کامل آلت‌های محوری یا مرکزی یعنی شمس‌ها و ترنج‌ها و ... را می‌سازند که در مقابل حرکت‌های آزاد شبکه گیاهوار ایستا و ساکن می‌نمایند (نویایی

د: زوجیت پویایی و سکون

نماز که متعالی‌ترین حالت ارتباط و خلوت مخلوق با خالق است به‌خودی‌خود در آداب و ماهیتش بیانگر بسیاری از حقایق و شرایط پیرامون حصول خلوت و تمرکز است. صورت ظاهری نماز به‌صورت حرکات به هم پیوسته‌ای است که نمازگزار در یک نقطه ثابت بی‌آن‌که از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل شود به‌جای می‌آورد. تلفیقی از پویایی و سکون به‌صورت هم‌زمان در افعال ظاهری نماز به حتم حکمتی داشته که می‌تواند از لحاظ روحی و جسمی بستری مناسب برای خلوت نمازگزار فراهم سازد و به‌کارگیری این مهم در فرم و فضای عبادت او نیز می‌تواند تشدیدکننده این امر باشد.


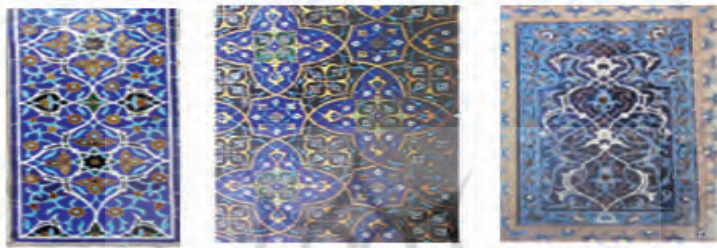

۱- نظام فضایی و زوجیت پویایی و سکون

در این مسجد در جبهه جنوبی که فضای گنبدخانه نظام‌الملک در ارتباط با شبستان‌های جانبی وجود دارد دو حس متضاد در مخاطب به وجود می‌آید؛ یکی حس گریز از مرکز قرار گرفتن در فضایی که عناصر تشکیل‌دهنده آن تا به ابدیت تکرار می‌شوند (پویایی) و دیگری حس جاذبه مرکزی (سکون) که از حضور قدرتمند گنبد نظام‌الملک به علت فرم دوار، ارتفاع، نحوه متفاوت نورپردازی آن پدید می‌آید. فضای گنبدخانه به‌منابه انفجار نوری در میان تاریکی شبستان اطراف است که به‌واسطه تجلی نور در این مرکز هندسی، تمرکز و گرایش مطلوبی به این فضا وجود دارد (رضوی، ۱۳۸۴: ۴۶۱). به نظر می‌رسد حالتی از خوف و رجاء (ترس و امید) نسبت به پروردگار و عظمتش در فلسفه ماهیت چنین فضاهایی نهفته است (تصویر ۱۰).

تزیینی متقارن اشکال و آلات جلب می‌گردد (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۶۸). از آن جاکه تقارن و الگوسازی‌ها با کاهش قابل توجه تلاش محاسباتی ذهنی به اطلاعات بصری سازمان می‌دهند توجه بصری به سرعت به عناصر

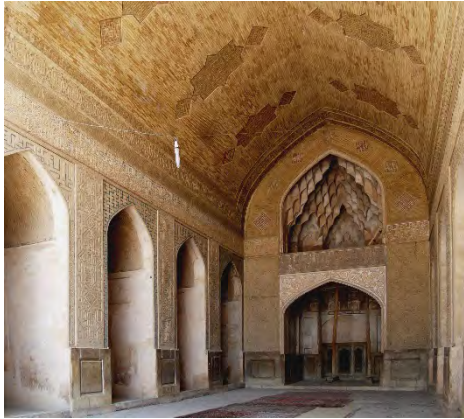
جدول ۴: تکنیک‌های نظم‌بخشی و سکون تزیینات در مسجد جامع اصفهان (مأخذ: نگارندگان).

تصاویر	تکنیک نظم‌بخشی و سکون
	۱ تقارن محوری
 <p>آلت ستاره چهاربر</p> <p>آلت گلدانی</p>	۲ ساخت آلات
	۳ تداوم خطی

شاخص‌های مؤثر ایجاد حس خلوت و رازگویی در مساجد (نمونه موردی مسجد جامع اصفهان)

۴- فرم و زوجیت پویایی و سکون
فرم دایره نه آغازی دارد و نه پایانی و در واقع حرکتی است بدون پایان که همیشه به نقطه آغازین خود بازمی‌گردد (گروتز، ۱۳۸۸: ۳۰۷). پس به‌واقع نماد پویایی و تحرک مطلق است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۲: ۵۹).
در مقابل در مربع نقطه آغاز و پایانی داریم که گرچه مشخص نیست اما وجود دارد و دارای د و جهت است (گروتز، ۱۳۸۸: ۳۲۱). این شکل از اشکالی است که سکون و آرامش را به مخاطب القا می‌نماید؛ زیرا کاملاً متعادل و متوازن است و مرکز ثقل کاملاً مشخص و قابل ادراکی برای مخاطب دارد تا جایی که در اغلب فضاهای عبادی مورد استفاده قرار گرفته است (نقره کار، ۱۳۸۹: ۳۲). این دو فرم در ترکیب با یکدیگر در گنبدخانه که نقطه پایانی سفر معنوی سالک و نقطه شروع وصال اوست آوای خلوت می‌نوازند، تا پیش از رسیدن به این

فضای نهایی و هدف، هر آن چه در طی مسیر با سالک بود حق آن که به‌صورت منفرد تمرکز سالک را به خود بگیرد نداشت بلکه بایستی اتحادی از مجموعه جذبه‌های بصری و محورهای توجه، سالک را به فضای پایانی وصال (محراب) معطوف دارند و به تعبیری جلوه‌نمایی آن‌ها بایستی در جهت اشارت به نقطه پایان سفر سالک (گنبدخانه) باشد. اما در گنبدخانه که نقطه وصال و پایان سفر است و ملجأ اصلی خلوت سالک با معبود، حضور محراب و مرکز فرم دوار سقف و خطوط رونده به سمت مرکز، توجه سالک را به‌گونه‌ای منفرد به خود جلب می‌کنند؛ گویی همه‌چیز این‌جاست؛ منتهای همه سمت‌وسوها اینجاست و اشارت بردن به ره دیگر در این وادی خطاست؛ پس تمرکز و توجه منفرد در این وادی یارای سالک است.



تصویر ۱۲: ایوان شمالی مسجد نمونه‌ای از کنج‌های اطراف که مأمّن دنج افراد برای تفکر و نظاره به آن است (همان: ۷۰).

شکل دیگر از حضور فضای تهی را می‌توان در فضای گنبدخانه مسجد مشاهده نمود. فضای گنبدخانه تاج‌الملک و نظام‌الملک مسجد به علت ارتفاع زیاد نسبت به فضاهای اطرافش و فرم نیمکره طاق آن که در ذهن القای فضای نامتناهی و بیکران می‌کند و هم‌چنین خطوط عمودی تزئینات بالارونده، حجم عظیم از تهی بودن را در این مکان خلق می‌کند. محورهای و خطوط فرضی‌ای که در این فضا در ذهن متصور می‌شود و مخاطب به واسطه آن‌ها فضا را درک می‌کند به‌عنوان عناصر غیرمادی مطرح‌اند که به‌جای مادیت، سعی در انتقال اطلاعات بصری به مخاطب دارند. خط محور قبله و نقطه مرکزی نیمکره سقف که بر روی زمین قابل‌تصور است و همه شعاع‌های فرضی به آن از جمله این عناصر غیرمادی درک فضای گنبدخانه‌اند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: حس خلأ در فضای گنبد خانه تاج‌الملک (مأخذ: نگارندگان).

هـ: فضای تهی (خلأ)

عالم مثال عالمی است مابین عالم حس (مادیات) و عالم عقل (مجردات)، که موجودات این عالم مقدار و شکل دارند ولی ماده ندارند (کربن، ۱۳۷۴: ۲۵۰). چنین تعبیر و کیفیتی از عالم مثال به‌وضوح در ماهیت فضای معماری اسلامی مشهود و قابل حس است. هستی‌ای که در قالب نیستی خود را بیان می‌کند، مقدار و شکل دارد ولی مادیتی آن را تعریف نمی‌کند؛ همان فضای تهی است.

اگر اشیا را به مفهوم متداول تلقی کنیم، آن‌گاه خلأ، یعنی آن‌چه از اشیا تهی است، به‌صورت اثر و پژواک حضور خداوند، در نظام هستی جلوه می‌کند، زیرا از طریق نفی «اشیاء» درواقع به آن‌چه ورای همه چیزهاست، اشاره دارد. بنابراین فضای خالی رمز تعالی پروردگار و حضور او در تمام اشیاست (نصر، ۱۳۸۹: ۹۷).

۱- نظام فضایی و خلأ

خلأ و فضای تهی را در نظام فضایی مسجد جامع به اشکال گوناگونی می‌توان مشاهده نمود. در درجه اول عامل وحدت و انتظام خرده‌فضاهای مسجد یک فضای تهی یعنی حیاط مرکزی است که به عرصه‌ای برای حضور انسانی و تجربه روح فضا بدل می‌شود و گاهاً افراد در کنج‌ها و زاویه‌ها و ایوان‌های اطراف آن نشسته و به سمت آن نظر و تأمل می‌کنند، گویا این عرصه به‌ظاهر خالی، پر است از اتفاقاتی بس آرامش‌بخش که در حال رخ دادن هستند (تصویر ۱۱ و ۱۲).



تصویر ۱۱: حیاط مرکزی به‌عنوان فضای تهی خالق روح فضایی (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۱).

آدمی را به تفکر و اندیشه وامی‌دارد (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵: بدنه آبی‌رنگ بنا در امتداد آسمان (مأخذ: نگارندگان).

تضاد معماری رنگی در حیاط با معماری خاکی آجری در درون، خود برای مخاطب تأمل‌برانگیز است باطن و ظاهری متضاد و مکمل برای استحاله روح سالک.

۳- تزیینات و خلأ

فراوانی تزیینات در معماری اسلامی و در این مسجد که به‌واسطه تکرار این‌گونه فراوان می‌نماید مغایر باکیفیت خلأ که انسان را به فکر و تأمل وامی‌دارد نیست. برعکس، تزیینات انتزاعی مسجد به‌واسطه وزن و آهنگ و پیچیدگی و بی‌کرانگی خود که قابلیت گسترش تا بی‌انتها را دارند و این که پس از دیدن نقوش به‌صورت مکرر، فردیت از آن نقوش محو می‌گردد و کل هماهنگ رؤیت می‌شود و همین، فرد را در مرحله خلأ قرار می‌دهد و پس از این خود نیز محو می‌شود و در این حالت به‌جای آن که ذهن به بند کشیده شود به جهانی خیالی رهنمون می‌شود و قالب‌های ذهنی را درهم می‌شکند (کربن، ۱۳۷۲: ۴۳). به‌علاوه چنین خلأ حاصل از فراوانی خرداجزاهای تزیینات با خلوت و تهی بیابان متجانس است. تزیین با شکل‌های انتزاعی و هماهنگی و یکنواختی مدام و پیوسته خویش و درهم‌آمیختگی تجانس را نیرو می‌بخشد (شعاع احمدی، ۱۳۸۴: ۵۹۶).

و: تکرار

تکرار روز و شب، ماه و سال و دیگر اتفاقات در بین اجزای کائنات، تکرار اذکار و اعمال عبادی همه و همه می‌تواند بیانگر



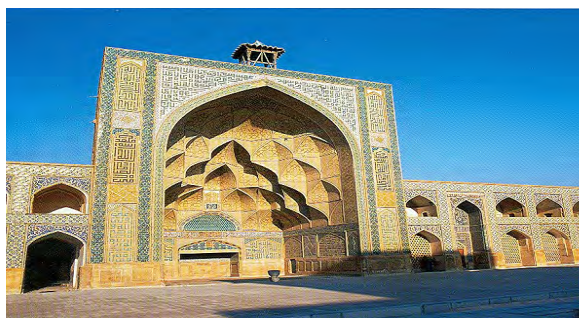
تصویر ۱۴: نورگیر مرکزی به‌عنوان خلأ (مأخذ: نگارندگان).

نحوه دیگر تجلی خلأ در فضای مسجد، قرار دادن مرکز هندسه فرم در فضای خالی است؛ به‌طوری‌که در مقرنس‌ها و رسمی‌بندی‌های طاق دیده می‌شود. تمامی فرم‌های هندسی به‌نوعی اشاره‌ای رمزی به فضای خالی می‌کنند و نشان می‌دهند که سرچشمه وجودی آن‌ها از خلأ گرفته شده است (همایونی، ۱۳۸۴: ۷۵) (تصویر ۱۴).

۲- مصالح، رنگ و خلأ

هم‌چنین خلأ را می‌توان در سادگی و تهی بودن فضاهای داخلی مسجد هم‌چون شبستان‌ها و گنبدخانه‌ها دید که برخلاف بدنه‌های حیاط که آکنده از رنگ و نقش است این فضاها به رنگ خاکی آجر مزین شده‌اند که ماهیت آجر و رنگ آن باعث می‌شود بنا به گونه یک حرف بی‌صدا، یک موجود ساکت و یا صوتی بم جلوه دهد. استفاده از ماده واحدی با مشخصات آجر در تمامی سطوح بنا در گنبدخانه‌های این مسجد و شبستان‌ها باعث خلق فضایی باوقار، جدی، استوار و ساکت شده است و مخاطب را بیشتر به تعمق فرامی‌خواند تا به وجد و شور. این فضاها سکون و طمأنینه خاصی دارند و با استفاده از یک ماده واحد، تمامی خواسته طراح به منصفه ظهور افکنده شده است (نوایی، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

رنگ غالب به‌کاربرده شده در بدنه‌های حیاط آبی لاجوردی و فیروزه‌ای است که با توجه به اشارت خطوط عمودی بدنه، گویا در امتداد پهنه وسیع آبی آسمان شکل گرفته و فضاهای خاکی داخلی در امتداد سطح خاکی زمین شکل گرفته‌اند. چنین معماری همساز با طبیعت به‌ویژه بیابان است که به‌سادگی افق خاک بی‌واسطه به آسمان متصل می‌شود و



تصویر ۱۷: تکرار و شکست ریتم در بدنه (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۶).

علاوه بر موارد فوق اصل تقرب (نزدیک کردن نقاط جاذب بصری به یکدیگر) و اصل تشابه (شبیه‌سازی نقاط جاذب به یکدیگر) نیز به پدیده تکرار در راستای آرامش‌بخشی و توجه نمازگزار یاری می‌رسانند. مطابق این اصول نقاط جاذب متعدد به دلیل تقرب و یا تشابه با یکدیگر، تشکیل یک مجموعه داده، یک محور توجه مشترک را به خود اختصاص می‌دهند و از تعدد جذبه و پریشانی خاطر مخاطب می‌کاهند (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

۲- کیفیات فضایی و تکرار

۲-۱- تعادل فضایی

تکرار عنصر فضایی چهارتاقی که در شبستان کلیت فضایی آن را تشکیل می‌دهد از دیگر مصادیق تکرار است. این فضا به انسان فرمان نمی‌دهد و او را به جهت خاصی نمی‌کشاند؛ چراکه نقاط آن به مدد تکرار با یکدیگر تفاوتی ندارند (نوابی، ۱۳۹۰: ۷۶). اصل برابری و برادری در اسلام به واسطه اتحاد چنین خردفضاهایی که گویا دست در شانه یکدیگر آویخته‌اند و سرود وصل و اتحاد می‌خوانند محقق گشته که می‌تواند استعاره‌ای نمادین از جماعتی باشد که در آن خلوت می‌کنند و به عبادت می‌پردازند.

۲-۲- عمق فضایی

پدیده تکرار در فضای مسجد هم‌چون تکراری از ستون‌ها در رواق‌ها و شبستان مولد عمق بوده‌است. حس ابهام و رمزگونی در مخاطب به واسطه مشاهده امتداد عمق به وجود می‌آید؛ زیرا برای او از لحاظ بصری اتفاقات داخل عمق دقیقاً مشخص نیست پس ناخودآگاه کششی به درون برای او ایجاد می‌شود. چنین جذبی

اهمیت سری باشد که تکرار قصد بیان آن را داشته است. پدیده تکرار این سؤال را در ذهن مخاطب برمی‌انگیزد که به‌راستی چه نیازی به این «بیان‌های مجدد» و «تکرار» است که این خود می‌تواند زمینه‌ساز تأمل مخاطب باشد. تکرار در ذکر سالک، در وعده‌های نماز در روزهای متوالی عمر دنیوی و در متن خود نماز و نیز اذکاری که به صورت ذکر لسانی و قلبی در وصف و تسبیح اسمای پربرکت الهی است، به‌عنوان مثال صدمرتبه تکرار ذکر یا ارحم الراحمین یا هر آیه و ذکر دیگری که در روایات اسلامی تأکید شده، همگی به علت آن است که قلب را از آن‌ها تأثیری حاصل آید و انفعالی رخ دهد تا کم‌کم حقیقت ذکر و عبادت، باطن ذات سالک را تشکیل دهد و قلبش با روح عبادت متحد گردد.

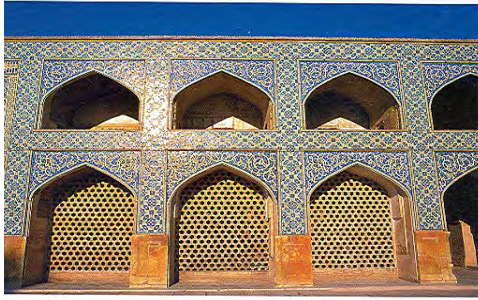
عابد در این مقام بر اثر تمرکز در عبادت و یا تکرار در ذکر خود ایجاد تمرکز در ذهن می‌کند، از رؤیت و مشغول بودن به عالم تکثرات رها می‌شود و به‌مانند مجرای تهی آماده پذیرش انوار حق می‌شود (شعاع احمدی، ۱۳۸۴: ۵۹۷).

۱- تزیینات و تکرار

همان‌طور که ذکر در قلب ایجاد آرامش و سکون می‌کند، تکرار نقش به سبب ایجاد بافت در چشم ایجاد آرامش می‌کند. تکرار نقوش در دو جهت عمل می‌کند: یکی عمق‌بخشی و دیگری ایجاد بافتی یک‌دست جهت تمرکز و ایجاد خلأ. تکرار در نقوش به‌جای آن‌که اندیشه را مجذوب کند و آن را به جهان توهمی بکشاند از گرفتاری فکر به یک امر جلوگیری می‌کند. صورت امر قدسی که در نقوش متجلی شده‌است به واسطه تکرار، تکراری نمی‌شود (همان: ۵۹۶) (تصویر ۱۶). به‌علاوه تمایز در متن تکرار و شکست ریتم تکرار در نقاطی ویژه در بدنه‌های حیاط مسجد خود زمینه‌ساز تأمل و تنوع می‌شود (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶: تکرار در نقوش (مأخذ: نگارندگان).



تصاویر ۲۰: آبی لاجوردی در لچکی قاب طاق نما و آبی فیروزه‌ای در سطوح اطراف (نویای و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰: ۷۷).

نتیجه‌گیری

بررسی آیات قرآنی و روایات اسلامی بیانگر تأثیر زمینه‌های محیطی در حصول حس خلوت و ارتباط مؤثر با پروردگار می‌باشند. در این پژوهش با توجه به سه نوع کیفیت کلی سلبی، ایجابی و تلفیقی (سلبی و ایجابی) چهار شاخصه اصلی مؤثر بر حس خلوت مساجد در نظر گرفته شد که شامل آشکارگی و پنهانی، خلأ (فضای تهی)، اصل تکرار و زوجیت پویایی و سکون می‌باشد. با مطالعات انجام‌شده در مسجد جامع اصفهان به‌عنوان مسجدهای موفق در طی اعصار گذشته تاکنون این نتیجه حاصل شد که هر یک از این شاخصه‌ها به‌نوعی خود را در زمینه‌های نظام فضایی، نور و رنگ، تزئینات و کیفیات فضایی مطرح می‌کنند.

به‌عنوان مثال نظام فضاهای آشکار و پنهان در مسجد به‌صورت شبکه‌ای درهم تافته و رازگونه نیازمند تأمل و غور برای کشف و درک فضاست و درعین‌حال باعث تشویش و سردرگمی مخاطب نمی‌شوند و مهم‌تر از همه طیف متنوعی از جمعیت امکان حضور و بهره‌گیری از فضا را دارند.

تکرار مدول‌ها و سایر اجزای کالبدی فراخور زمینه‌های فعالیتی و زیبایی‌شناختی برگرفته از اصل تقرب و تشابه، خلأ و شفافیت فضایی در گنبد خانه، حیاط و سایر فضاها و البته وجود خلأ در سطوح بدنه‌ها به‌واسطه نوع بافت و تزئینات در راستای آرامش‌بخشی و تمرکز حواس مخاطب موثر هستند. کیفیت و کمیت متنوع بهره‌گیری از نور طبیعی در فضاهای مختلف مسجد، منجر به ایجاد پویایی و سکون شده است. هم‌چنین کمیت اندک نور در برخی نقاط منجر به بهره‌گیری کمتر از حس بصری شده است و این خود می‌تواند زمینه‌ساز

به درون و درون‌گرایی که در پی کنجکاوی فرد در راستای ابهام او شکل می‌گیرد زمینه‌ساز تأمل و سیر به درون وجود است.



تصویر ۱۸: عمق و درون‌گرایی ناشی از تکرار در شبستان (مأخذ: نگارندگان).



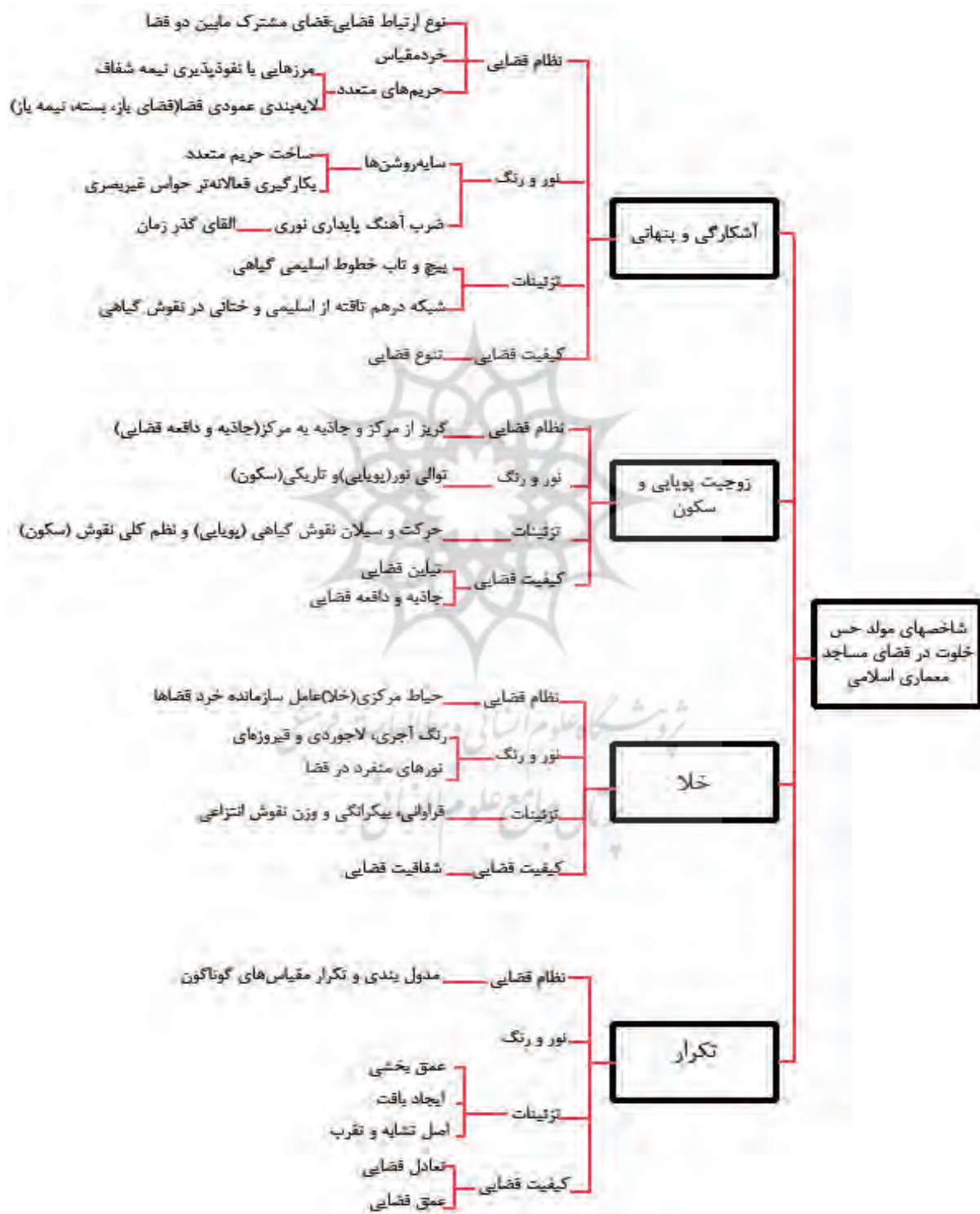
تصویر ۱۹: تکرار عنصر مقرنس، با شکست سطح و ایجاد سایه‌روشن ایجاد عمق و ابهام کرده (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳: ۷۱).

چنین غور و تأملی به درون (درون‌گرایی) باعث می‌شود سالک به مرکز وجود خودش رسوخ کند و ذهنش متوجه مرکز گردد و دیگر امواج ذهنی او خاموش می‌گردد که مراقبه و وصل پیامد آن می‌باشد (تقوایی، ۱۳۸۶: ۴۷) (تصویر ۱۸ و ۱۹). یکی از عوامل دیگر مولد عمق نوع رنگ‌های به‌کار رفته در آن فضا یا بدنه است. رنگ‌های سرد و تیره تشدیدکننده عمق و فاصله ادراک‌شده‌اند. به‌عنوان مثال در بدنه‌های حیاط مسجد، رنگ لچکی‌های اطراف غرفه قوسی (چنین خردفضایی به‌عنوان حفره و عمقی سطحی مطرح است)، آبی لاجوردی است که این رنگ نسبت به رنگ سایر قسمت‌ها که آبی فیروزه‌ای است بیشتر رو به تیرگی می‌رود و تشدیدکننده عمق چنین غرفه‌هایی است (تصویر ۲۰).

رنگ‌های سرد از لحاظ مادی از توجه انسان به خود جلوگیری می‌کند و این مهم عاملی برای توجه انسان به مسائل ماورایی می‌شود که در پی آن توجه به توحید و زنده کردن یاد خدا را به دنبال دارد (بمانیان، ۱۳۹۰: ۲۷).

تأمل درونی فرد باشد. که در آن عوامل مؤثر بر ایجاد حس خلوت در مساجد و نتایج این پژوهش در قالب یک نمودار تدوین شده است راهکارهای دستیابی به آن ذکر شده است (نمودار ۱).

نمودار ۱: شاخصه‌های حس خلوت و رازگونگی (مأخذ: نگارندگان).



پی‌نوشت‌ها

1-penetratia

سپاسگزاری

از محضر استاد گران‌قدر جناب آقای دکتر مسعود ناری قمی به خاطر راهنمایی‌های علمی‌شان کمال تشکر را دارم و امیدوارم روزگاری افتخار شاگردی محضرشان نصیب بنده گردد.

فهرست منابع

- حسینی طهرانی، حسین. (۱۳۴۵). *رساله لب‌اللباب در سیروسولوک اولی‌الالباب*. مشهد: علامه طباطبائی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد هفتم. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیبا، داراب. (۱۳۷۸). «الهام و برداشت از مفاهیم بنیادین معماری ایران»، *مجله معماری و فرهنگ*، شماره ۱، ص ۱۱-۱.
- رازجویان، محمود. (۱۳۸۰). «به‌سوی محراب و تقرب به لحظات ملکوتی»، *مجله صفا*، شماره ۳۲، ص ۱۳۱-۱۱۸.
- رضوی، نیلوفر. (۱۳۸۴). *معماری مسجد موسیقی نور، هنر و معماری مساجد*. تهران: رسانش. ص ۴۷۰-۴۴۷.
- رئیسی، محمد منان؛ نقره‌کار، عبدالحمید. کریم، مردمی. (۱۳۹۳). «درآمدی بر رمز و رمزدردازی در دوران اسلامی»، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، شماره ۲، ص ۹۴-۷۹.
- زرگر، اکبر؛ ندیمی، حمید. مختارشاهی، رافونه. (۱۳۸۶). *راهنمای معماری مسجد*. تهران: دید.
- سالینگروس، نیکاس آنجلس. (۱۳۸۷). *یک نظریه معماری*. مترجم: سعید زرین‌مهر و زهیر متکی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- سبحانی‌فخر، قاسم. (۱۳۹۰). «ادراک حسی از منظر ابن‌سینا سهروردی و ملاصدرا»، *فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی*، شماره ۵۰، ص ۱۰۵-۹۱.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۹۶). *مجموعه مصنفات*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شعاع احمدی، آذر. (۱۳۸۴). *تکرار نقش در مساجد و ارتباط آن با عبادت، هنر و معماری مساجد*. تهران: رسانش، ص ۶۰۴-۵۸۷.
- شیرازی، صدرالدین. (۱۳۵۴). *المبدأ والمعاد*. مترجم: سید جلال آشتیانی. تهران: انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۵). *تفسیر المیزان*. جلد ۱. مترجم: محمدباقر موسوی. قم: انتشارات دفتر اسلامی.
- _____ . *تفسیر المیزان*. جلد ۱۴. مترجم: محمدباقر موسوی. قم: انتشارات دفتر اسلامی.
- _____ . *تفسیر المیزان*. جلد ۱۶. مترجم: محمدباقر موسوی. قم: انتشارات دفتر اسلامی.
- _____ . *تفسیر المیزان*. جلد ۲۰. مترجم:
- قرآن کریم. (۱۳۸۹). مترجم: ناصر مکارم شیرازی. قم: مدرسه امام علی ابن ابیطالب (ع).
- آلتمن، ایروین. (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی*. مترجم علی نمازیان. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد. (۱۳۶۷). *ترجمه لا یحضره الفقیه جلد ۱*. مترجم: محمدجواد غفاری. تهران: نشر صدوق.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (۱۳۹۲). *حس وحدت: نقش سنت در معماری ایرانی*. مترجم: وناداد جلیلی و احسان طایفه. تهران: علم معمار.
- ارشد ریاحی، علی؛ واسعی، صفیه. (۱۳۹۰). «ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا»، *نشریه جستارهایی در فلسفه و کلام*، شماره ۸۶، ص ۴۲-۹.
- بمانیان، محمدرضا؛ پورجعفر، محمدرضا؛ احمدی، فریال؛ صادقی، علیرضا. (۱۳۹۰). «بازخوانی هویت و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعه»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۳۰، ص ۳۷-۷۰.
- بمانیان، محمدرضا؛ سیلوایه، سونیا. (۱۳۹۰). «بررسی نقش گنبد در شکل‌دهی به مرکزیت معماری مسجد»، *مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، شماره ۹، ص ۳۰-۱۹.
- پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۳). *چشمان پوست معماری و ادراکات حسی*. مترجم: رامین مقدس. تهران: پرهام نقش.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۷۷). *نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول*. قم: دنیای دانش.
- تقوایی، ویدا. (۱۳۸۶). «نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۳۰، ص ۵۲-۴۳.
- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۳). *گنج‌نامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران (مساجد جامع)*. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی.

- محمدباقر موسوی. قم: انتشارات دفتر اسلامی.
- طاهری، جعفر. (۱۳۹۲). «بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری»، *مجله مطالعات معماری ایران*، شماره ۴، ص ۲۲-۵.
- ظفرنوبایی، خسرو. (۱۳۸۹). «خلوت در عرفان اسلامی»، *فصلنامه عرفان اسلامی*، شماره ۲۵، ص ۱۲۰-۱۰۷.
- غزالی، محمدبن محمد. (۱۹۷۱). *المقصد الاسنی فی شرح معانی اسماء الله الحسنى*. بیروت: فضله شحاده.
- فعالی، محمدتقی. (۱۳۷۹). «ارزشمندی ادراکات حسی»، *خرندنامه*، شماره ۲۲، ص ۳۸-۵۱.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۵). *تفسیر نور ۱*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کرین، هنری. (۱۳۷۴). *ارض ملکوت از ایران مزدایی تا ایران شیعی*. مترجم: ضیاءالدین دهشیری. تهران: طهوری.
- کرین، هنری؛ بورکهارت، تیتوس؛ کوماراسوامی، آناندا؛ شوان، فریتیهوف. (۱۳۷۲). *مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- گرابار، اولگ. (۱۳۸۸). *مسجد بزرگ اصفهان*. مترجم: محمدعلی موسوی فریدنی. اصفهان: گیتی به کوشش سازمان نظام مهندسی ساختمان استان اصفهان.
- گروتز، یورگ. (۱۳۸۸). *زیبایی‌شناسی در معماری*. مترجم: جهان‌شاه پاکزاد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گوهرین، سید صادق. (۱۳۷۶). *شرح اصطلاحات تصوف*. تهران: زوار.
- گیلانی، عبدالرزاق. (۱۳۹۴). *مصباح الشریعه امام صادق(ع)*. انتشارات پیام حق.
- لاهیجی، محمد. (۱۳۷۱). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*. انتشارات زوار.
- مددپور، محمد. (۱۳۷۱). *حکمت معنوی و ساحت هنر*. تهران: حوزه هنری.
- م.ع.ت. (۱۳۵۹). *فرهنگ خیام عربی- فارسی*. تهران: خیام.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۵). *دانشنامه جهان اسلام*. جلد ۱. قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲). *تفسیر نمونه*. جلد ۱۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ناری قمی، مسعود. (۱۳۸۹). «مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۴۳، ص ۶۹-۸۲.
- نصر، حسین. (۱۳۸۷). *هنر و معنویت اسلامی*. مترجم: رحیم قاسمیان. تهران: انتشارات حکمت.
- نصیری، نگار. (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی مفهوم خلوت در خانه درون‌گرای ایرانی و خانه برون‌گرای غربی»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۳۹، ص ۴۶-۳۷.
- نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). *رساله نظریه‌پردازی نسبت فرهنگ اسلامی با زیبایی هنر و معماری*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- نوایی، کامبیز؛ حاجی‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۰). *خشت و خیال*. تهران: سروش.
- همایونی، نازگل. (۱۳۸۴). *سکوت محلی برای بازشناسی طبیعت*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان).
- Burckhardt, titus. (1954), the spirit of Islamic art. *Journal of Islamic quarterly*, vol 1
- The American Heritage College Dictionary. (2003), New York: Mifflin company

Effective Criteria to Create Sense of Privacy and Mystery in Mosques (Case Study: Jameh Mosque of Isfahan)*

Zahra Seyrafiانpour¹, Mahkameh Lavafi²

1- Master of Architecture, Department of Architecture and Urban Planning ,Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Young Researchers Club, (Corresponding author)

2- Assistant Professor, Faculty of Architecture, Najafabad Branch, Islamic Azad University

Abstract

The sense of privacy in public worship spaces, such as the temples, is one of the most important spiritual needs of a worshiper for spiritual concentration and finally effective communication with the God. The Islamic mosques, according to the Islamic attitude, have been considered as a social center for interacting with each other and an ideal place for individual privacy in order to communicate with the God, but today in contemporary mosques, people have lost their concentration and privacy and it can be the reason for reducing the mosque's position to only a place for elders, places that have severely lost their individual and collective spirit.

In this regard, the purpose of this research is to demonstrate the importance of privacy in mosques and to examine the characteristics and environmental factors that affect the creation of this sense based on Islamic attitudes. The main questions of this research can be explained as follows: What are the effective factors in creating sense of privacy in the mosques? How these factors influence the formal and spatial qualities, light, color and decorations? We study the concept of privacy in Islamic attitude and levels of perception in the approach of Islamic schools and private and requisite qualities affecting this concept which are followed by a descriptive-analytical method. The case study of the subject is the Jameh mosque in Isfahan as a successful example.

The results show that factors such as revealing and covertness, vacuity (empty space), repetition and dynamic and static characters can enhance the sense of privacy by attending to decorations, spatial system, lighting system, colors and materials and it can be recognized as criteria for designing contemporary mosques.

Key words: Privacy sense, Mystery, Jameh mosque of Isfahan, Social penetration.

1- Email: Zahra.seyrafianpour@gmail.com

2- Email: MahkamehLavafi@gmail.com